

تعاملات فکری - فرهنگی زیدیه و امامیه در عصر صادقین(ع)^۱

نعمت‌الله صفری فروشانی

دانشیار جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران

روح‌الله توحیدی‌نیا^۲

دانشجوی کارشناسی ارشد پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران

چکیده

بخش قابل توجهی از جریان حدیثی شیعیان کوفه را در دوره امام باقر(ع) گروهی تشکیل می‌دادند که بین افضل بودن امام علی(ع) و مشروعیت خلافت شیخین جمع می‌کردند. این گروه پیش‌زیدی با امامیه نیز ارتباط داشتند و با ورود زیدبن‌علی به کوفه از وی حمایت کردند. پس از قیام زید(رض)، طرفداران وی رویه فکری او را توسعه دادند و به ترویج آن مبادرت ورزیدند. مناسبات این گروه با شیعیان طرفدار نص موضوعی است که این نوشتار با روش توصیفی-تحلیلی و در محدوده عصر صادقین(ع) به آن پرداخته است. نتایج حاکی از آنست که اشتراکات فکری سبب همگرایی این دوگروه و گسترش آموزه‌های عمومی شیعه بوده است؛ اما با رشد زیدیه و دستیابی آنان به مبانی نسبتاً مستقل، دایره اختلافات زیدیان با امامی‌مذهبان وسیع‌تر شده و هر دو فرقه برای حفظ هواداران خود و جذب شیعیان دیگر، اقداماتی در برابر یکدیگر صورت داده‌اند.

کلیدواژه‌ها: تعامل مذهبی، امامیه، زیدیه، صادقین(ع)، زید، کوفه.

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۶/۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۱/۱۶.

۲. نویسنده مسئول، رایانامه: roholahthidi@yahoo.com

مقدمه

پس از شهادت امام سجاد(ع)، گروهی از شیعیان که در اندیشه قیام بر ضد امویان بودند، از امام باقر(ع) خواستند تا رهبری قیام را بر عهده گیرد.^۳ پاسخ منفی امام(ع)، بستر را برای شکوفایی اندیشه‌ای فراهم آورد که معتقد به ادامه یافتن امامت در فرزندان فاطمه(س)^۴ و قیام در برابر حکومت جور بود.^۵ البته اختلافات این گروه پیش‌زیدی با پیشوایان امامیه، سبب نشد تا ارتباط آنان با امامیه قطع شود. در چنین شرایطی زیدبن‌علی(د ۱۲۲هـ) رهبری قیام را به‌عهده گرفت و در برابر برادرش امام باقر(ع)، امامت را شأن کسی خواند که به مقابله با ظلم دعوت نموده و قیام کند.^۶ جایگاه رفیع امام باقر(ع) نزد شیعیان از جمله دلایلی بود که شرایط و موقعیت لازم برای قیام زید در دوره زندگی آن حضرت فراهم نشود؛^۷ اما در اوایل دوران امامت امام صادق(ع)، شیعیان کوفه، که پس از امام باقر(ع) دچار نوعی سردرگمی شده بودند،^۸ به زید پیوستند.^۹ این پژوهش برآنست تا با روش توصیفی-تحلیلی، تعاملات پیروان زیدبن‌علی و امامیه را در عصر صادقین(ع) بررسی نماید. مقصود از تعامل در این مقاله، مجموعه اقدامات دو گروه در مواجهه آنان با یکدیگر است؛ که گاه در همزیستی دوطرف نمایان می‌شود و علاوه بر ایجاد فضای گذشت و تسامح، موجب تقویت باورهای مشترک می‌شود؛ و گاه به شکل واگرایی و تقابل ترسیم شده و فضایی رقابت‌آمیز را پدید می‌آورد.

پیشینه تحقیق

عمده پژوهش‌های صورت گرفته درباره مناسبات زیدیه و امامیه در عصر صادقین(ع)، رویکرد سیاسی این دو فرقه را پیگیری کرده است. در مورد تعاملات فکری آنان تنها می‌توان به برخی از تحقیقات اشاره کرد؛ از جمله، رساله‌ای دکتری با عنوان تأثیر حدیث زیدیه بر حدیث امامیه

۳. برقی، ۱۷۳؛ کلینی، ۸/۸.

۴. ابن مرتضی، ۴۰/۱؛ ابن خلدون، ۱۹۷.

۵. کلینی، ۲/۲۲۴؛ قاضی نعمان، دعائم الاسلام، ۱/۷۵.

۶. کلینی، ۲۹۰/۱.

۷. درباره منزلت امام باقر(ع) نزد علمای کوفه و همچنین مراجعه به آنان، نک: کلینی، ۵/۴۷۸ و ۷/۳۳۰؛ ابن

عساکر، ۲۷۹/۵۴؛ ذهبی، تاریخ الاسلام، ۴/۴۰۴.

۸. کلینی، ۳۹۷/۱.

۹. در مورد حضور گرایش‌های مختلف فکری در قیام زید، نک: ابوالفرج اصفهانی، ۹۹.

نوشته اعظم فرجامی،^{۱۰} که به بررسی شرح حال راویان زیدی، محورهای و موضوعات روایات آنان، تبیین برخی اعتقادات زیدیه و چگونگی تأثیرگذاری راویان زیدی بر حدیث امامیه پرداخته است. وی پس از بررسی منابع متقدم حدیثی امامیه و زیدیه و بازخوانی انگیزه‌ها و دیدگاه‌های راویان زیدی، دلایلی را در جرح یا تعدیل روایات آنان ذکر کرده است. *مواجهه امامین صادقین(ع) با زید و زیدیان*، عنوان پایان‌نامه دیگری است^{۱۱} که در آن حسین عرب‌نژاد به صورت مشخص به داوری درباره نظر این دو امام درباره قیام زید می‌پردازد. وی در بخشی از تألیف خود، به مقایسه تفکرات امامیه و زیدیه و واکنش‌های فرهنگی زیدیه در برابر امامیه پرداخته است. پژوهش دیگر، مقاله‌ای با عنوان «تقابل عالمان زیدی کوفه در نیمه اول قرن دوم با باور امامت الهی» نوشته سید عبدالحمید ابطحی است که در شماره ۳۷ مجله سفینه، در سال ۱۳۹۱، منتشر شده است. این مقاله پس از بازخوانی سیره برخی عالمان زیدی کوفه در محدوده یاد شده، مقابله این گروه را با عقیده امامت الهی بررسی کرده است. در میان پیشینه تحقیقات فکری، پژوهش فان اس،^{۱۲} نقش مهمی در تبیین نظام‌های کلامی جامعه اسلامی در قرن دوم و سوم برعهده دارد.^{۱۳} وی با این عقیده، که نظام فکری مذاهب را نمی‌توان بدون درک محیط پیرامونی و جریان‌های موجد آن‌ها شناخت، سعی در ترسیم وضعیت فرهنگی- اجتماعی جامعه اسلامی در دوره مورد نظر دارد؛ و تحقیق او به‌عنوان یک پژوهش بی‌طرف، ارزشمند است.^{۱۴} نوشته دیگر درباره مناسبات فرهنگی زیدیه و امامیه، کتابی است با عنوان *الزیدیه بین الامامیه و اهل السنه نوشته سامی الغراوی*، که در فصل سوم آن به مقایسه عقاید زیدیه و امامیه پرداخته و بهره‌گیری نویسنده از منابع زیدیه اهمیت این کتاب را دوچندان کرده است.

۱۰. این رساله در سال ۱۳۹۰ در دانشگاه قم دفاع شده است.

۱۱. این پایان‌نامه در سال ۱۳۹۰ در دانشگاه ادیان و مذاهب قم دفاع شده است.

12. Josef Van Es

۱۳. این کتاب توسط «الصالح السلمة» ترجمه شده و با عنوان *علم الکلام و المجتمع فی القرنین الثانی و الثالث* به چاپ رسیده است.

۱۴. برای کسب اطلاع بیشتر درباره نویسنده و اثر وی، نک: حیدری، ۲۰۹-۲۲۳.

گونه‌شناسی منابع تحقیق

مهم‌ترین منابع مورد استفاده تحقیق را می‌توان به دو بخش کتب ملل و نحل و تألیفات امامیان و زیدیان تقسیم کرد. مطالعه نظرات فرقه‌شناسانی چون سعد بن عبدالله اشعری (د ۳۰۰هـ) در کتاب *المقالات و الفرق*، نوبختی (د ۳۱۰هـ) در *فرق الشیعة*، علی بن اسماعیل اشعری (د ۳۲۴هـ) در *المقالات الاسلامیین و اختلاف المصلین*، بغدادی (د ۴۲۹هـ) در *الفرق بین الفرق* و شهرستانی (د ۵۴۸هـ) در *الملل و النحل*، بخش قابل توجهی از فضای فکری گروه‌های مختلف شیعه را ترسیم می‌کند. البته این افراد در غالب موارد وارد جزئیات نشده و تنها به تبیین باورهای فرقه‌ها اکتفا کرده‌اند. بخش دوم منابع، شامل کتاب‌های تاریخی، حدیثی، فقهی و رجالی منتسب به عالمان دو فرقه امامیه و زیدیه است. در بین تألیفات امامی مذهب کتاب *اختیار معرفة الرجال*، به دلیل بررسی افکار و عملکرد زیدیان و بیان برخی مصادیق تعاملات آنان با امامیان، و تألیفات نجاشی (د ۴۵۰هـ) و شیخ طوسی (د ۴۶۰هـ)، به سبب معرفی طرفداران دو طرف تعامل، از نقش مهمی برخوردارند. هم‌چنین می‌توان به کتاب *کافی* نوشته شیخ کلینی (د ۳۲۹هـ) و تألیفات شیخ صدوق (م ۳۸۱هـ) اشاره کرد؛ که به واکاوی تعامل صادقین (ع) و پیروانشان با زیدی مذهب کمک فراوانی می‌کند. برخلاف امامیه، منابع زیدیه کمتر به مباحث فکری و فرهنگی قرن دوم پرداخته‌اند.^{۱۵} در بین میراث آنان، کتاب *مقاتل الطالبیین* نوشته ابوالفرج اصفهانی (د ۳۵۶هـ)، که البته بیشتر به مسائل مربوط به قیام زیدیان پرداخته است، حاوی نکات مهمی درباره وضعیت فکری این گروه می‌باشد. هم‌چنین می‌توان به کتب دیگری چون *تفسیر فرات بن ابراهیم* نوشته فرات بن ابراهیم کوفی (د ۳۵۲هـ)، *تیسیر المطالب فی امالی ابی طالب* نوشته ابوطالب یحیی بن حسین (د ۴۲۴هـ) و *الحدائق الوردیة فی مناقب الائمة الزیدیة* نوشته حمید بن احمد محلی (د ۶۵۳هـ) اشاره کرد؛ که به برخی از مصادیق تعاملات زیدیه با امامیه در عصر صادقین (ع) اشاره دارند.

نوشته حاضر در صدد است تا ضمن استفاده از منابع و پژوهش‌های مذکور، به بسط و تحلیل تعامل فکری- فرهنگی زیدیه و امامیه در دوره صادقین (ع) بپردازد.

۱۵. برای کسب اطلاع از منابع متقدم زیدیه، نک: موسوی نژاد، *تراث الزیدیة*، ۳۳- ۱۱۰.

وضعیت فرهنگی امامیه و زیدیه

در عصر صادقین(ع)، عالمان و فقیهان مهم‌ترین نقش را در وضعیت فکری- فرهنگی دارند. بررسی اندیشه بزرگانی چون حکم بن عتیبه(۱۱۵هـ)، ثابت بن هرمز(۱۲۱هـ) و سلمه بن کهیل(۱۲۱هـ) که پیش از قیام زید از دنیا رفته‌اند، نشان از حضور جریان‌های پیش‌زیدی در کوفه دارد.^{۱۶} در این شرایط، زید بن علی، که در مدینه به‌عنوان فردی والا مقام شناخته می‌شد،^{۱۷} به کوفه وارد شد و امامت وی مورد پذیرش عموم شیعیان و بسیاری از فقهای کوفه قرار گرفت.^{۱۸} پس از شکست قیام زید(۱۲۲هـ)، رویه سیاسی او به رهبری بنی‌الحسن^{۱۹} و رویکرد فکری وی توسط عالمان کوفه پیگیری شد.^{۲۰} این در حالی بود که عالمان امامیه در کوفه نزد صادقین(ع) حاضر می‌شدند و ارتباط تنگاتنگی با آنان داشتند؛ چنان‌که جابر بن یزید جعفی(۱۲۸هـ)، از محدثان بزرگ شیعه، برای تعلیم آموزه‌های امامیه از کوفه به مدینه می‌رود؛^{۲۱} زیرا موسم حج بهترین زمان برای مراجعه امامی مذهب‌بان به صادقین(ع) بود، چنان‌که هشام بن حکم(د ۱۷۹هـ)، از عالمان برجسته امامیه می‌گوید در یک سفر حج، پاسخ پانصد پرسش را از امام صادق(ع) دریافت کردم.^{۲۲} با توجه به این‌که کوفه پایگاه اصلی شیعیان بود، صادقین(ع) نیز عنایت بیشتری به امور دینی و پیروان‌شان در این شهر داشتند؛ برای نمونه با پرورش نخبگانی چون زرارة بن اعین(د ۱۵۰هـ)، ابو بصیر اسدی(د ۱۵۰هـ) و محمد بن مسلم(د ۱۵۰هـ)، این افراد را به‌عنوان نمایندگان خود در کوفه معرفی کردند.^{۲۳} اقدامات صادقین(ع) مؤثر بود؛ برای نمونه، با آن‌که بیش‌تر شیعیان کوفه به نوشیدن نبیذ مست کننده و یا مسح بر خفین (مسح کشیدن

۱۶. چنان‌که زیدیان معتقدند، آنان نیز بین خلافت شیخین و افضلیت علی(ع) جمع می‌کردند(احمد بن حنبل، ۱۴۹/۱).

۱۷. حمید بن احمد، ۱/ ۱۳۸.

۱۸. ابوالفرج اصفهانی، ۸۸؛ مفید، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ۲/ ۱۷۲.

۱۹. برای نمونه درباره رهبری قیام‌های زیدیه توسط حسنین، نک: طبری، ۱۹۶/۶.

۲۰. غلیس، ۳۶.

۲۱. رازی، الجرح و التعديل، ۴۳۸.

۲۲. کلینی، ۱/ ۲۶.

۲۳. طوسی، اختیار معرفة الرجال، ۱/ ۵۱.

بر روی کفش) عادت داشتند. شیعیان امامی این موارد را حرام می‌دانستند؛^{۲۴} یا برخی از امامیان به صورت صریح از خلفای پیشین تبرّی می‌جستند؛ و از این رو برخی از آنان به‌عنوان توهین‌کنندگان به صحابه پیامبر(ص) شناخته می‌شدند.^{۲۵} این شواهد نشان می‌دهد که شیعیان امامی اندیشه متفاوتی با اکثریت جامعه کوفه داشتند.

یکی دیگر از مسائل مهم در عرصه مناسبات فکری زیدیه و امامیه، نقش فرقه‌های زیدیه است که دیدگاه‌های مختلف آنان سبب تفاوت محدوده ارتباط زیدیه با امامیه شده است - در ادامه به مهم‌ترین باورهای آنان اشاره می‌شود. تعداد فرقه‌های زیدیه تا هشت مورد ذکر شده است؛^{۲۶} اما مهم‌ترین آن‌ها، که در دوره مورد نظر از عالمان کوفه پیروی کرده‌اند، دو فرقه‌اند.^{۲۷} گروه اول بُتریه نام دارند که پیروان حسن بن صالح بن حی(د۱۶۸هـ) و کثیر النواء(د۱۳۰هـ) بوده^{۲۸} و طرفداران اهل سنت آنان را نزدیک‌ترین گروه شیعه به خود خوانده‌اند.^{۲۹} مهم‌ترین وجه تمایز آنان مشروعیت دادن به خلافت شیخین،^{۳۰} قائل بودن به جواز امامت مفضول با وجود افضل^{۳۱} و اعتقاد به توقف در مورد عثمان^{۳۲} است. هم‌چنین این گروه معتقدند امامت از آن اولاد علی(ع) است، چه از فرزندان فاطمه باشند یا نباشند.^{۳۳} گروه مهم دیگر جارودیه، پیروان ابوالجارود زیاد بن منذر(د۱۵۰هـ) هستند،^{۳۴} که سیره‌ای برخلاف اهل سنت داشته^{۳۵} و البته

۲۴. حکم صادقین(ع) در این باره چنین است: التقیة فی کل شیء الا فی شرب النبیز و المسح علی الخفین(صدوق،

خصال، ۲۳؛ کلینی، ۲/۲۱۷)

۲۵. هم‌چون جابر جعفی که در این باره مورد اتهام قرار می‌گرفت(ابن حبان، ۷۵؛ ابن حجر، ۲/۴۳). هم‌چنین مومن طلاق از جمله کسانی بود که در شهر کوفه به افضل بودن امام علی(ع) از شیخین استدلال کرده و به مباحثه و مناظره می‌پرداخت(طبرسی، الاحتجاج، ۲/۱۴۵).

۲۶. مسعودی، ۳/۲۳۲.

۲۷. شهرستانی، ۱/۱۵۷؛ بغدادی، ۲۲.

۲۸. اشعری قمی، ۱۸؛ نوبختی، ۲۰؛ اشعری، ۴۱.

۲۹. ابن حزم، ۲/۱۱۲؛ ذهبی، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، ۱/۴۹۶.

۳۰. اشعری قمی، ۱۸؛ ابن مرتضی، ۱/۴۰.

۳۱. ایجی، ۳/۶۹؛ ابن مرتضی، ۱/۴۰؛ عمرجی، ۸۸.

۳۲. شهرستانی، ۱/۱۶۱؛ اشعری، ۶۹؛ بغدادی، ۳۷.

۳۳. نوبختی، ۵۷.

۳۴. نوبختی، ۵۴؛ اشعری، ۴۱.

۳۵. از این رو اهل سنت آنان را غالیان شیعه می‌دانند و مورد طعن قرار می‌دهند(نوبختی، ۲۱؛ بغدادی، ۳۴).

تندروی‌هایی را نیز به امامیه منتقل کرده‌اند.^{۳۶} مهم‌ترین باورهای آنان، اعتقاد به وجود نص خفی درباره امام علی (ع) و نص جلی درباره امام حسن (ع) و امام حسین (ع)،^{۳۷} اعتراف شیخین بر اشتباه‌شان،^{۳۸} الهام شدن علوم بر امامان هم‌چون پیامبران و اعتقاد به مهدویت بوده است.^{۳۹} اختلاف جارودیه و بتریه سبب شده است تا نوبختی زیدیه را به دو گروه ضعفا و اقویا تقسیم کند.^{۴۰} ضعفا همان بتریه‌اند که اولین و در دوره مورد نظر تحقیق پرجمعیت‌ترین فرقه زیدیه محسوب می‌شوند. آنان در قیام‌ها حضور کم‌رنگی داشته‌اند و در نهایت گرایش فکری‌شان سبب پیوستن آنان به اهل سنت شده است.^{۴۱} اقویاء نیز طرفداران ابوالجارود بودند که پس از بتریه شکل گرفتند،^{۴۲} اما علاوه بر حضور در بیشتر قیام‌های زیدیه، برای دستیابی به دانش فقهی و کلامی مستقل تلاش کردند و نقش مهمی در ماندگاری زیدیه ایفا نمودند؛ و از این‌رو مدعی میراث داری زید نیز بودند.^{۴۳}

اشتراکات و اختلافات فکری زیدیه و امامیه

اشتراک زیدیه و امامیه در مسائل اعتقادی، بیش‌تر مربوط به رویه عقل‌گرایانه آنان می‌شود.^{۴۴} زیدیه هم‌چون امامیه^{۴۵} در توحید، موضعی تنزیه‌گرا داشتند، و در مبحث عدل و حکمت الهی نیز بین دو فرقه هم‌سانی کامل وجود داشت.^{۴۶} در مبحث اراده، امامیه با الهام از تعالیم اهل

۳۶. درباره تندروی در برخی باورها، نک: موسوی نژاد، *آشنایی با زیدیه*، ۸۸.

۳۷. اشعری، ۶۷.

۳۸. صدوق، *خصال*، ۱۷۱ و ۵۵۴.

۳۹. اشعری، ۶۷؛ بغدادی، ۳۱؛ اکوع، ۲۶.

۴۰. نوبختی، ۵۰.

۴۱. در مورد شکل‌گیری بتریه و عدم شرکت آنان در برخی قیام‌ها، نک: فان اس، ۲۵۴. هم‌چنین درباره پیوستن بتریه به اهل سنت، نک: مادلونگ، ۱۷۸.

۴۲. زیرا ابوالجارود از شاگردان صادقین (ع) و تا دوره‌ای قطعا از امامیه محسوب می‌شده است و بعدها به زیدیان می‌پیوندد (عمرجی، ۸۴).

۴۳. فرمانیان و موسوی نژاد، ۵۰-۵۳.

۴۴. در مباحث کلامی، اندیشه زیدیه بسیار نزدیک به معتزله است؛ تاجایی که برخی آنان را معتزلی می‌دانند (شهرستانی، ۱/ ۱۶۲).

۴۵. مفید، *اوائل المقالات فی المذهب و المختارات*، ۸.

۴۶. همان.

بیت(ع) در پی تفسیری برای «امربین الامرین» بود و با جبر و اختیار تام مخالفت کرد؛ زیدیه نیز، در پی موافقت با آرای کلامی معتزله، با این نظریه موافق بودند.^{۴۷}

در بین مسائل اختلافی این دو گروه می توان از بدهاء^{۴۸} نام برد. امامیه بدهاء را لازمه اعتقاد به توحید دانستند؛^{۴۹} اما زیدیه هم چون اهل سنت آن را نپذیرفتند و اعلام کردند که علم خداوند تغییرناپذیر است.^{۵۰} زیدیه و امامیه پس از توافق در اصل موضوع امر به معروف و نهی از منکر در چگونگی آن با یکدیگر اختلاف نظر داشتند. زیدیه برخلاف امامیه این آموزه دینی را به عنوان یکی از اصول اساسی خود می دانستند و مصداق اصلی آن را قیام در برابر ستمگران و حاکمان جور اعلام می کردند.^{۵۱} در این بین، امامت از مهم ترین موارد مناقشه برانگیز بین زیدیه و امامیه بود. هرچند هر دو فرقه امام علی(ع) را افضل صحابه می دانستند و دشمنان او را بی دین می خواندند؛^{۵۲} اما در مفهوم امامت، ویژگی های امام و چگونگی سازوکار انتخاب وی نظرات مختلفی داشتند. مطابق نظر فرقه زیدیه، پس از علی(ع) و فرزندانش، امام کسی بود که از فرزندان فاطمه(س) باشد و در برابر حکومت جائز، قیام کند.^{۵۳} هم چنین آنان برخلاف امامیه، تقدیم مفصول بر افضل را جایز می دانستند^{۵۴} و برای امام هیچ مقام والایی را در علم و عصمت قائل نمی شدند؛^{۵۵} اما امامیه، امامت را منصبی الهی و تبعیت از کسی را واجب می دانستند که دارای علم الهی و عصمت باشد. هم چنین تفسیر زیدیه و امامیه از «اهل بیت(ع)» متفاوت بود.

۴۷. مهدی لدین الله، ۸۶.

۴۸. به معنای پدیدار ساختن امری بر مردم که در گذشته برای آنان مبهم بوده است و خداوند به جهت و مصلحتی آن را برای مدتی از آنان مخفی کرده بوده(معرفت، ۱/ ۵۵۲) هم چنین برای کسب اطلاع از گفتار صادقین(ع) در توضیح و تفسیر مفهوم بدهاء، نک: کلینی، ۱/ ۱۴۶ و ۱۴۷؛ عیاشی، ۲/ ۲۱۵-۲۲۱.

۴۹. کلینی، ۱/ ۱۴۶؛ صدوق، توحید، ۳۳۳.

۵۰. این درحالی است که باور امامیه در مورد بدهاء به معنای تغییر در علم خداوند نیست؛ چنان که شیخ کلینی در جواب آنان این مسأله را ذکر کرده است(۱/ ۱۴۸).

۵۱. زیدیه آن را از بزرگ ترین شعائر خود دانسته و برای اثبات آن به طرق مختلف استناد نموده اند(احمد بن قاسم، ۴۶۹)؛ چنان که زید بن علی نیز هدف خود را از قیام، امر به معروف و نهی از منکر اعلام می کرد(ابن اعثم، ۵/ ۳۴؛ ابن شهر آشوب، ۳/ ۲۴۱).

۵۲. شهرستانی، ۱/ ۱۵۵؛ اشعری، ۱۲۹؛ ابن مرتضی، ۱/ ۴۰.

۵۳. شهرستانی، ۱/ ۱۵۶؛ ابن مرتضی، ۱/ ۴۰؛ ابن خلدون، ۴۰.

۵۴. مفید، *وائل المقالات فی المذهب و المختارات*، ۴۶؛ شهرستانی، ۱/ ۱۵۵؛ ابن خلدون، ۱۹۷.

۵۵. نوبختی، ۵۶.

پیروان زید از آنان به عنوان خاندان خاص پیامبر(ع) و یا دوستان وی یاد می کردند؛^{۵۶} برخلاف امامیه که آن را منحصر در خاندان پیامبر(ص) می دانستند.^{۵۷} رجعت نیز از جمله مواردی بود که به عنوان یکی از شاخصه های امامیه در قرن اول مطرح بود.^{۵۸} البته جارودیه نیز رجعت را پذیرفتند؛ اما برخلاف امامیه، آن را در قیام هریک از امامان خود تفسیر کردند.^{۵۹} هم چنین مهدویت از باورهای مشترک هر دو فرقه بود؛ جز این که در زیدیه بیش تر به معنی منجی گرایی طرح می شد؛ و از این رو، برخی از امامان زیدی، خود را به عنوان مهدی معرفی کردند.^{۶۰} در مباحث فقهی نیز، رویه استدلالی هر دو فرقه و اهتمام شان به آیات الاحکام،^{۶۱} سبب توافق آنان در بسیاری از مسائل بود؛ اما عدم استفاده پیروان زید از گفتار و احادیث صادقین(ع) و اتکا به قیاس، استحسان و مصالح مرسله، سبب شد تا در نظرات فقهی نیز از امامیه فاصله بگیرند.^{۶۲} در مسائل سیاسی، مهم ترین اختلاف زیدیه و امامیه، نگاه متفاوت آنان به مقوله مواجهه با حکومت جور بود. امامیه بر دور ماندن از تنش های سیاسی و اجتماعی تأکید می کرد و آن را موافق با مصلحت جامعه می دانست؛^{۶۳} اما زیدیه بر قیام تأکید داشتند و روش پیشوایان امامیه را در تعارض با دستور خداوند مبنی بر امر به معروف و نهی از منکر می خواندند.^{۶۴}

۵۶. رحمتی، ۹۸ و ۹۹؛ چنان که کثیرالنواء از سران فرقه بتریه، اهل بیت(ع) را در هفت نفر (فرات بن ابراهیم، ۱۲ / ۵۳۳) و در حدیثی ابی الجارود، رئیس فرقه جارودیه، آنان را منحصر در سه نفر می داند(کلینی، ۱ / ۳۵۸).
۵۷. چنان که از روایات ائمه صادقین(ع) بر می آید، به معنای خاص، شامل اهل کساء و به دنبال آن شامل بقیه ائمه معصومین می شود(طبری، ۱۲ / ۷).

۵۸. ذهبی، تاریخ الاسلام، ۱ / ۳۷۹-۳۸۳.

۵۹. برای نمونه جارودیه، بازگشت نفس زکیه(د ۱۴۵هـ) را از مصادیق رجعت می دانستند(رحمتی، ۷۸).

۶۰. شواهدی برای ادعای مهدویت در برخی ائمه زیدیه از جمله زید بن علی(مسعودی، ۳ / ۲۳۰) و نفس زکیه (ابوالفرج اصفهانی، ۲۰۷) و محمد بن قاسم(د ۲۱۹هـ) (مسعودی، ۴ / ۶۱) و یحیی بن عمر(د ۲۵۰هـ) (اشعری، ۶۷) وجود دارد.

۶۱. شهرستانی، ۱ / ۱۶۲.

۶۲. فقه زیدی تا حد زیادی به فقه حنفی شناخته شده(عمرجی، ۲۱۵) و البته در برخی مسائل، به فقه شافعی و امامی نزدیک می شود(شهرستانی، ۱ / ۱۶۲).

۶۳. امام صادق(ع) در همین راستا در جواب منصور عباسی که از گروه های زیدی و حسنی نزد آن حضرت گله می کند، اعلام کردند که حرکت آن ها مورد تأییدشان نمی باشد(منصور بن حسین، ۱ / ۳۵۵). هم چنین مطابق گزارشی، امام صادق(ع) در هنگام قیام نفس زکیه از مدینه خارج شدند و بعد از اتمام قیام بازمی گشتند(اربلی، ۱۲ / ۱۶۲).

۶۴. طوسی، اختیار معرفة الرجال، ۱ / ۲۰۵.

تعاملات زیدیه و امامیه

مطالعات تاریخی نشان می‌دهد که سیر تعامل زیدیه و امامیه آغازی مسالمت‌آمیز داشته و نخبگان فکری و فرهنگی زیدیه چون ابو الجارود، حکم بن عتیبه و ثابت بن هرمز، از بزرگ‌ترین فقیهان زیدی، با صادقین(ع) و به‌ویژه امام باقر(ع)، ملازم و همنشین بوده‌اند.^{۶۵} همین تعامل در بین رهبران دو فرقه سبب می‌شد تا بین امامیه و زیدیه نیز ارتباط مثبتی برقرار باشد؛ هر چند که در همین دوره نیز اختلافات از سوی بتری مذهب‌ان وجود داشت. اختلاف نظرها بین زیدیان و امامیان در آغاز تنها در پرسش و پاسخ‌های علمی نمود داشت؛ اما داده‌های تاریخی ما را به دور شدن تدریجی زیدیه و امامیه از یکدیگر هدایت می‌کند. اوج تقابل زیدیه و امامیه، در برخورد عیسی بن زید بن علی، از مهم‌ترین داعیان نفس زکیه، با امام صادق(ع) قابل مشاهده است. وی در ماجرای بیعت گرفتن از امام، علاوه بر توهین به ایشان، وی را زندانی کرد و دستور داد تا اموال آن حضرت را مصادره کنند.^{۶۶} مهم‌ترین عامل این واگرایی را می‌توان رشد و تکامل تدریجی افکار زیدیه دانست. در روند بررسی تعاملات این دو فرقه باید توجه داشت که دوره مورد نظر در این تحقیق، دوره شکوفایی و تلاش برخی اندیشمندان کوفه برای تثبیت فرقه زیدیه و عصر کوشش امامیه برای معرفی چهارچوبی نوین در این مذهب است؛ از این‌رو، اطلاعات تاریخی موجود بیش‌تر درباره پیشوایان و همگامان پیشرو این دو گروه می‌باشد. با توجه به مقدمات ذکر شده، تعاملات زیدیه و امامیه، در دو بخش همگرایی و واگرایی قابل بررسی است.

۱. همگرایی

همان‌طور که زید بن علی از شاگردان امام باقر(ع) بود، عالمان زیدی کوفه نیز از شاگردان صادقین(ع) بودند؛^{۶۷} و اذعان زیدیان به جایگاه رفیع علمی صادقین(ع)، از جمله مواردی بود که

۶۵. برای نمونه، درباره ارتباط حکم بن عتیبه با صادقین(ع)، نک: خوبی، ۱۷۲ / ۶. و درباره ارتباط ثابت بن هرمز با

امام باقر(ع)، نک: کلینی، ۳۷ / ۸.

۶۶. کلینی، ۳۶۳ / ۱.

۶۷. قاضی نعمان، شرح الاخبار فی فضائل الائمه الابرار، ۲۷۷ / ۳.

سبب هم‌گرایی زیدیه و امامیه می‌شد؛ چنان‌که سلیمان بن خالد،^{۶۸} از پیروان امام صادق(ع) با آن‌که از جمله شرکت‌کنندگان در قیام زید بود، امام صادق(ع) را در آگاهی به حلال و حرام، برتر از زید می‌دانست.^{۶۹} به عبارت دیگر مقام علمی صادقین(ع) سبب می‌شد تا آنان مورد مراجعه زیدیان باشند و در این بین، نوعی هم‌زیستی بین پیروان زیدیه و امامیه پدید آید. بنابر یک گزارش، شخصی برای محاسبه ارث خود در پی ملاقات با امام باقر(ع) بود؛ ولی مردم حاضر در مسجد، حکم بن عتیبه را به عنوان فقیه اهل عراق به وی معرفی کردند. در حالی که حکم مشغول محاسبه ارث بود، امام باقر(ع) وارد شدند و پس از مدت کوتاهی ارث را محاسبه و اعلام کردند. حکم در این هنگام اعتراف کرد که به‌راستی خوش فهم‌تر از ابوجعفر ندیده‌ام.^{۷۰} این گزارش، تعامل مثبت بین امامیه و بزرگان زیدی را نشان می‌دهد. البته زیدیه، علم صادقین(ع) را اکتسابی می‌دانستند و سخنان آنان را بدون دلیل و برهان نمی‌پذیرفتند. مطابق گزارش عذافیرصیرفی، حکم بن عتیبه پس از مراجعه به امام صادق(ع)، در مسأله‌ای با آن حضرت اختلاف پیدا کرد. امام(ع) کتاب علی(ع) را طلبیدند و سپس بخشی از متن کتاب را نشان داده و فرمودند: این خط علی(ع) و املائی پیامبر(ص) است؛^{۷۱} لذا به‌نظر می‌رسد روابط علمی بزرگان هر دو گروه همراه با احترام و مدارا بوده و چنان‌که در همین خبر آمده است امام صادق(ع) همواره به حکم احترام می‌گذاشت.

مطالعه سیره صادقین(ع)، نشان می‌دهد که آنان در برخی موارد برای محفوظ ماندن زیدیان از انحرافات فکری تلاش می‌کرده‌اند، برای نمونه هر دو امام(ع) به زیدیان توصیه می‌کردند که نزدیک شدن به نحله‌های فقهی اهل سنت و یا درس‌آموزی نزد افرادی چون واصل بن عطا(د ۱۳۰هـ)، بنیان‌گذار معتزله، سبب دور شدن از حقیقت می‌شود.^{۷۲} آنان همواره تأکید می‌کردند که علم نجات‌بخش تنها نزد ما یافت می‌شود. مطابق گزارشی، امام باقر(ع) برای حکم بن عتیبه پیغام فرستادند که به هر کجا از شرق و غرب عالم می‌خواهید سر بکشید، اما

۶۸. وی تنها شاگرد امام صادق(ع) است که به زید پیوسته و در قیام وی شرکت دارد (نجاشی، ۱۸۳؛ طوسی، اختیار معرفة الرجال، ۱۲/ ۶۵۲).

۶۹. همان.

۷۰. کلینی، ۳۳۰/ ۷.

۷۱. نجاشی، ۳۶۰.

۷۲. قاضی عبدالجبار، ۱۴۳-۱۴۴.

بدانید که علم صحیح را جز از اهل بیت پیامبر(ص) دریافت نخواهید کرد.^{۷۳} توصیه‌های امام درباره مسأله قیام نیز در ادامه همین تلاش‌ها بود؛ برای نمونه، امام باقر(ع) به زید توصیه می‌کردند که نباید به مردم کوفه برای قیام اعتماد کرد؛^{۷۴} و یا وقتی که امام صادق(ع) از قصد یحیی بن زید (م ۱۲۶) برای قیام آگاه شدند، نامه‌ای برای او نوشتند و سعی کردند او را از قیام باز دارند.^{۷۵}

طبیعی است که اشتراکات فکری شیعیان زیدی و امامی سبب می‌شد تا در برخی موارد عده‌ای از هواداران دو فرقه به دنبال ایجاد وفاق و هم‌دلی در بین یکدیگر باشند؛ برای نمونه، عمر بن خالد،^{۷۶} از راویان زیدی و پیروان حسن بن صالح و از شرکت‌کنندگان قیام زید و نفس زکیه، با نقل اخبار از پیشوایان امامیه و تأیید اقدامات زیدیه از زبان آنان، قصد ایجاد وفاق بین دو فرقه را داشت.^{۷۷} این موضوع با مراجعه به روایات نقل شده توسط برخی دیگر از محدثان زیدی نیز به دست می‌آید.^{۷۸} همچنین اشتراکات این دو گروه سبب شد تا برخی از امامیه به صادقین(ع) مراجعه و درخواست کنند که آنان رهبری زیدیه را برعهده گیرند؛ چنان‌که یکی از پیروان امام صادق(ع) نزد آن حضرت آمده، می‌گوید: زیدیه در بین مردم مشهور شده‌اند و این درحالی است که نزد آنان هیچ شخصی، در میان امت محمد(ص) محبوب‌تر از شما نیست؛ چرا زیدیان را به سوی خویش فرا نمی‌خوانید؟ امام(ع) در پاسخ، اندیشه و عملکرد زیدیه را انحرافی خوانده، فرمودند: اگر این طایفه سبک‌مغز بخواهند ما را از علم و دانش‌مان باز دارند و به سوی وادی نادانی خویش بکشند، هیچ خوش‌آمدی برای ما و آنان نخواهد داشت. البته امام(ع) در ادامه سخنان‌شان، اطاعت از امام مفترض الطاعه را شرط ایجاد وفاق با این گروه دانسته، فرمودند: اگر گوش‌به‌فرمان ما و چشم به راه امر ما (ظهور موعود) باشند، از همراهی آنان باکی نداریم.^{۷۹}

۷۳. طوسی، اختیار معرفة الرجال، ۱/ ۳۶۹.

۷۴. ابن شهر آشوب، ۲/ ۲۷۹.

۷۵. شهرستانی، ۱/ ۵۹؛ کتبی، ۱/ ۲۱۲.

۷۶. درباره عمر بن خالد، نک: خویی، ۱۴/ ۱۰۲-۱۰۵.

۷۷. برای نمونه: مفید، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ۲/ ۱۷۳. البته امکان این‌که روایات وی ساختگی

باشد وجود دارد(خویی، ۱۴/ ۱۰۲-۱۰۵).

۷۸. برای نمونه در روایاتی که بین عقاید زیدیه و امامیه جمع می‌کند نک: طوسی، مالی، ۲۵۴.

۷۹. مزی، ۲/ ۴۳.

از جمله مصادیق همگرایی زیدیه و امامیه تأکید آنان بر عدم مشروعیت حکومت وقت بود. هر دو گروه چه در برابر بنی‌امیه که پس از حادثه کربلا، منفورترین حکومت‌ها بودند و چه در مقابل عباسیان که با سرپوش نهادن بر تعهدات‌شان مواضع سختی را نسبت به شیعیان اعمال نمودند، موضعی یکسان داشتند. همین هم‌بستگی موجود در برابر حکومت جور سبب شد تا پس از قیام زید در دوره امام صادق(ع)، امامیه هیچ‌گاه به‌صورت مستقیم اقدام زید بن علی و پیروان وی را اشتباه نخواندند و هرچند خود در قیام شرکت نداشتند و با آن مخالف بودند، اما مخالفت آشکار با قیام را به سود حکومت می‌شمردند. همگرایی اجتماعی موجود بین امامیه و زیدیه در توصیه امام به یاری بازماندگان قیام زید نیز مشهود است. وقتی که خبر شکست زیدیان به امام صادق(ع) رسید، امام فردی زیدی‌مذهب را فراخواند و به وی دستور دادند تا اموالی را به بازماندگان و خانواده کشته‌شدگان قیام زید رساند.^{۸۰}

منابع حدیثی بُعد دیگری از همگرایی این دو گروه را نمایان می‌سازد. در موارد متعدد امامیه و زیدیه از یکدیگر نقل حدیث کرده‌اند؛ چنان‌که ابان بن تغلب(د ۱۴۱هـ) از سلمة بن کهیل، یکی از بزرگان زیدیه، نقل حدیث می‌کند.^{۸۱} این همگرایی نقش مهمی در اشاعه فرهنگ تشیع ایفا کرده است؛ به‌ویژه ترویج آموزه‌های مشترک دو گروه از سوی زیدیه، سبب شده تا احادیث بسیاری از صادقین(ع) باقی بماند؛ برای نمونه بسیاری از روایات درباره سیره و مناقب امام علی(ع)،^{۸۲} قیام امام حسین(ع) و مهدویت توسط راویان زیدی نقل شده است.^{۸۳} شایان ذکر است که روایات یاد شده بیشتر از سوی جارودی‌مذهبان نقل شده است و بترتیب نقش کمی در این گزارش‌ها دارند.

۸۰. ابن ندیم، ۲۲۷؛ طوسی، *اختیار معرفة الرجال*، ۲/ ۷۲۲.

۸۱. خلیفه بن خیاط، ۲۱۷؛ احمد بن حنبل، ۲/ ۴۴۱.

۸۲. برای نمونه در احادیثی بر ماجرای غدیر خم(محمد بن سلیمان، ۳۴، ۱۲۴، ۱۲۷، ۱۳۶، ۱۳۷) و برتری علی(ع) بر شیخین(ابوالفتح کراچی، ۲۰) تأکید کرده و یا خطبه‌های امام علی(ع) را نقل کرده‌اند(صدوق، خصال، ۲۱۹) یا آیات قرآن را در شأن امام علی(ع) تفسیر نموده‌اند(ابن شهر آشوب، ۳/ ۶).

۸۳. ابوطالب یحیی بن حسین، ۱۹۴؛ حمید بن احمد، ۱/ ۲۷۸.

۲. واگرایی

شواهد حاکی از آنست که واگرایی زیدیه و امامیه، بخش وسیعی از تعاملات آنان را شامل می‌شود. این موضوع از زمانی نمود یافت که برخی از پیروان صادقین(ع) به دلیل عدم پذیرش برخی از اندیشه‌های امامیه به طرفداران زیدبن‌علی(رض) پیوستند؛ چنان‌که سلیمان بن جریر،^{۸۴} به دلیل نادرست دانستن بدأ^{۸۵} و عمر بن رباح، به دلیل عدم پذیرش شیوه تقیه صادقین(ع)، از امامیه جدا شدند و به زیدیه پیوستند.^{۸۶} از موارد دیگری که سبب جدایی بسیاری از شیعیان از امامیه شد، موضع پیشوایان امامیه نسبت به قیام بود. ابی الجارود، از شاگردان امام باقر(ع)، به همین دلیل به زیدیان پیوست^{۸۷} و بعدها به عنوان یکی از سران فرقه‌های مهم زیدیه شناخته شد. این واگرایی با واکنش‌های منفی و گاه مخرب زیدیه نسبت به امامیه پس از قیام زیدبن-علی آغاز شد و مقدمه صفتبندی این دو گروه در برابر یکدیگر شد.

مطابق گزارشی، گروهی از زیدیه، در مناظره‌ای با امام صادق(ع)، آن حضرت را به تندی مورد خطاب قرار داده و می‌گویند: از قدیم ادعای مقامی را داشتید که سزاوار آن نبودید؛^{۸۸} یا در خبری دیگر دو نفر از زیدیه نزد امام صادق(ع) آمدند و گفتند: آیا در بین شما امامی واجب الاطاعة یافت می‌شود؟ امام(ع) آنان را از خانه‌شان اخراج و توهین‌کنندگان به خود را نفرین کرد.^{۸۹} مطابق خبری دیگر، شخصی از کثیر النواء پرسید که دلیل بی‌احترامی شما به امام باقر(ع) چیست؟ وی پاسخ داد: از او شنیدم که می‌گفت تمام طبقات زمین به برکت پیامبر(ص) و عترت او بارور شده است.^{۹۰} هم‌چنین عبّاد بن صُهیب زیدی(د ۲۱۲هـ)،^{۹۱} امام صادق(ع) را در حال پوشیدن لباس احرام می‌بیند و آن حضرت را با لحنی توهین آمیز صدا می‌کند.^{۹۲} مطابق خبری دیگر حکم بن عتیبه درباره پیروان امام باقر(ع) گفت: آنان در زبان، اعتقاد به خداوند و

۸۴. وی از سران یکی از فرقه‌های زیدیه معرفی شده است(نوبختی، ۹؛ شهرستانی، ۶۸/۱).

۸۵. صفدی، ۲۲۲/۱۵.

۸۶. طوسی، اختیار معرفة الرجال، ۲۰۵/۱.

۸۷. ابن شهر آشوب، ۳۴۹/۳.

۸۸. کلینی، ۱۵۶/۱.

۸۹. طبرسی، الاحتجاج، ۳۸۳-۳۸۱/۳.

۹۰. ابراهیم بن محمد ثقفی، ۷۶۰/۲.

۹۱. طوسی، اختیار معرفة الرجال، ۶۸۹/۲.

۹۲. همان، ۶۰۴؛ طبرسی، مکارم الاخلاق، ۹۷.

روز جزا دارند، ولی در عمل، ایمان ندارند.^{۹۳} این گزارش‌ها حاکی از اوج‌گرفتن واگرایی زیدیان نسبت به امامی‌مذهبان و پیشوایان امامیه است.

در مقابل صادقین(ع) نیز به رد نظرات آنان می‌پرداختند^{۹۴} و در مواردی پرده از چهره رهبران آنان برمی‌داشتند؛ برای نمونه امام باقر(ع) کثیر النواء را نفرین کردند و دروغ‌گو خواندند؛^{۹۵} یا امام صادق(ع) از وی در دنیا و آخرت تبری جستند.^{۹۶} طبق گزارش دیگر، امام باقر(ع) حکم بن عتیبه، کثیر النواء، ثابت بن هرمز و سالم بن ابی حفصه را که از بزرگ‌ترین عالمان زیدی و بُتری در دوره صادقین(ع) بودند، گمراهانی خواندند که بسیاری از مردم به‌وسیله آنان گمراه شده‌اند و در ادامه، آنان را مصداق آیه «و من الناس من یقول آمنا بالله و بالیوم الاخر و ما هم بمومنین»^{۹۷} دانستند.^{۹۸} مطابق گزارشی دیگر امام صادق(ع)، ابی الجارود و کثیر النواء و سالم بن ابی حفصه را کذاب، مکذب و کافر خواندند و فرمودند: آنان حدیث ما را می‌شنوند و تأیید می‌کنند، اما در عمل پایبند به آن نیستند.^{۹۹} این اخبار نشان از فعالیت گسترده و تا حدی منسجم بزرگان زیدیه در کوفه و موفقیت آنان در جذب نفرات زیادی از مردم دارد؛ هم‌چنین نشان می‌دهد که صادقین(ع) تلاش کردند تا علاوه بر ایجاد مرز بین تفکرات زیدیه و امامیه، خطر انحراف این گروه را نیز به اطلاع پیروان خود برسانند. واگرایی زیدیه و امامیه در مسائل اجتماعی نیز نمود یافته است. چنان‌که امام صادق(ع) از صدقه دادن به آنان نهی کردند^{۱۰۰} و پیروانشان را از برقراری ارتباط خویشاوندی با زیدیه باز داشتند. در روایتی دیگر، امام صادق(ع) به زراة فرمودند: از خویشاوندی با افرادی چون حکم بن عتیبه و

۹۳. طوسی، اختیار معرفة الرجال، ۲ / ۴۵۳.

۹۴. برای نمونه در مورد حکم بن عتیبه نقل شده است که ابوبصیر حکم او را بر جواز شهادت زنا زاده برای امام صادق(ع) نقل کرد. آن حضرت ضمن رد این حکم فرمودند: به خدا علم جز در خانه‌ای که جبرئیل بر اهل آن نازل شده یافت نخواهد شد(نجاشی، ۳۶۰).

۹۵. طوسی، اختیار معرفة الرجال، ۱ / ۲۳۰.

۹۶. همان، ۲۴۱.

۹۷. بقره، ۸.

۹۸. صدوق، من لایحضره الفقیه، ۴ / ۵۴۴.

۹۹. طوسی، اختیار معرفة الرجال، ۲ / ۴۹۶.

۱۰۰. همان، ۴۹۴.

سالم بن ابی حفصه بپرهیز.^{۱۰۱} در ادامه با بررسی مهم‌ترین تلاش‌های زیدیه و امامیه، زوایای مهم واگرایی این دو گروه ترسیم می‌شود.

تلاش‌ها و اقدامات زیدیه

تلاش‌های زیدیه در برابر امامیه را می‌توان در دو بخش مهم بررسی کرد:

۱. تبلیغ و ترویج آموزه‌ها

بزرگان زیدیه به دلیل جایگاه علمی‌شان در بین مردم شناخته شده بودند^{۱۰۲} و با اعلام نظریات خود، نقش مهمی در جذب شیعیان داشتند؛ چنان‌که کثیرالنواء در بین مردم حاضر می‌شد و به تولی شیخین توصیه می‌کرد^{۱۰۳} یا سالم بن ابی حفصه، از دیگر عالمان زیدی، به خطابه در مساجد می‌پرداخت و در سخنانش بین مدح شیخین و علی (ع) جمع می‌کرد.^{۱۰۴} از شیوه‌های تبلیغاتی دیگر زیدیه آن بود که نخبگان را فکری که نزد مردم از جایگاه مطلوبی برخوردار بودند، جذب کنند. آنان ضمن طرح اندیشه خود نزد این افراد، با مطابقت‌دادن بین آموزه‌های اسلام و فضای عمومی جامعه و تأکید بر لزوم براندازی حکومت جابران، آنان را جذب می‌کردند؛ برای نمونه فردی از زیدیه به گفتگو با حسن بن صالح پرداخت و در پایان یک گفت‌وگوی طولانی، وی را قانع کرد و حسن بن صالح به زیدیان پیوست.^{۱۰۵} این تبلیغات آن‌چنان در او اثر گذاشت که تا سال‌ها در نماز جمعه شرکت نمی‌کرد.^{۱۰۶} حضور او در کنار زیدیان ثمربخش بود. وی کتابی درباره عقاید نگاشت^{۱۰۷} که احتمالاً درباره و بعدها نیز به عنوان یکی از مهم‌ترین سران زیدیه معرفی شد.

جعل روایات و تحریف احادیث از جمله اقدامات محدثان زیدی برای نفوذ در بین مردم و به‌خصوص شیعیان به‌شمار می‌رود. این احادیث که بیشتر در کتب اهل سنت ذکر شده، غالباً از حیث سند و متن مخدوش می‌باشد و با هیچ‌یک از مبانی امامیه سازگاری ندارد. از موارد

۱۰۱. همان، ۱/ ۱۴۲.

۱۰۲. درباره احترام عموم مردم به بزرگان زیدیه، نک: ابن جعد، ۶۲؛ عجللی، ۱/ ۲۸۲.

۱۰۳. رازی، تفسیر القرآن، ۷/ ۲۲۶۷؛ ابن جوزی، ۳/ ۱۳۶؛ سیوطی، ۱۰۱؛ متقی هندی، ۲/ ۴۴۲.

۱۰۴. مزی، ۱۰/ ۱۳۵.

۱۰۵. فسوی، ۳/ ۱۰۷.

۱۰۶. همان.

۱۰۷. ابن ندیم، ۳۳۳.

تحریفات زیدیه، غلو در مقام زید بن علی(رض) از زبان پیشوایان امامیه است؛ برای نمونه آنان از امام صادق(ع) نقل کردند که فرمود به خدا قسم زید از ما برتر بود و خداوند در دنیا و آخرت مثل او برای ما نگذاشت.^{۱۰۸} در مواردی نیز سعی کردند تا برخی از احکام فقهی خود را به صادقین(ع) نسبت دهند؛ برای نمونه حسن بن صالح به جعل احادیثی در این باره پرداخته است؛ از جمله آن که امام صادق(ع) با اشتیاق کامل مارماهی می‌خورد^{۱۰۹} و یا در خبری آورده‌اند که وی به حکم مسح علی‌الخفین عمل می‌کرده است.^{۱۱۰} احادیث یاد شده برای ترویج احکامی به کار می‌رفت که مختص زیدی‌مذهبان بود و در کوفه رواج داشت. بخش دیگری از جعل روایات مواردی است که زیدیان به دنبال تخریب چهره امامیه می‌باشند؛ چنان که کثیر-النوء از پیامبر(ص) نقل کرده است: رافضه کسانی هستند که از اسلام برائت جستند^{۱۱۱} و یا مطابق حدیث دیگر آنان سبب انحراف اسلام شده‌اند.^{۱۱۲} وی حدیثی دیگر از زبان امام علی(ع) روایت می‌کند که مطابق آن در آخرالزمان گروهی خواهند آمد که رافضه نام دارند و راه آنان از اسلام جدا است.^{۱۱۳}

۲. شبهه افکنی در بین امامیه

زیدیان در موارد مختلفی بر عقاید امامیه نیز خورده می‌گرفتند و شبهات مختلفی مطرح می‌کردند.^{۱۱۴} صحت بیعت مسلمانان با شیخین پس از پیامبر(ص)، از جمله این موارد است. عده‌ای از زیدیه معتقدند، مسلمانان برای بیعت با شیخین اجتهاد کرده‌اند و از این رو خطاکار دانستن آنان صحیح نیست.^{۱۱۵} مطابق گزارشی، به امام باقر(ع) خبر دادند که عده‌ای می‌گویند، بیعت ابوبکر به دلیل اجماع مردم مورد رضایت خداوند نیز بوده است. آن حضرت به تبیین موضوع پرداختند و با استناد به آیاتی فرمودند: مردم چنان که پس از سایر انبیاء گمراه شدند،

۱۰۸. ذهبی، تاریخ الاسلام، ۷۵ / ۵.

۱۰۹. ابن بطه، ۷.

۱۱۰. احمد بن عبدالله، ۳۳۴ / ۷.

۱۱۱. مقریزی، ۳۶۳ / ۱۲.

۱۱۲. ابراهیم بن محمد ثقفی، ۷۲۶ / ۲.

۱۱۳. همان.

۱۱۴. برای نمونه درباره اعتقاد امامیه به بدا و تقیه، نک: شهرستانی، ۱ / ۱۶۰؛ نوبختی، ۶۴.

۱۱۵. نوبختی، ۱۳.

پس از پیامبر خاتم(ص) نیز از راه خارج شدند.^{۱۱۶} هم‌چنین از جمله شبهات مورد تأکید زیدیه آن بود که اگر امامیه امامان خود را مشخص می‌داند، پس دلیل تفرقه آنان پس از یک امام و بی اطلاعی‌شان نسبت به امام بعدی چیست؟ این شبهه به شأن و جایگاه امامیه خدشه وارد می‌کرد. از این‌رو، ابو عبیده حدّاء نقل می‌کند: روزی نزد امام باقر(ع) عقاید سالم بن ابی حفصه را بازگو کردم و گفتم او مرا مورد توبیخ قرار داده و می‌گوید در حال حاضر امامی ندارم. امام(ع)، قدام سالم را نهی کرده و فرمودند از ما اهل بیت کسی از دنیا نمی‌رود، مگر آن که کسی جایگزین وی می‌شود و راه وی را ادامه می‌دهد.^{۱۱۷} هم‌چنین زیدیه در مورد علم صادقین(ع) نیز شبهاتی مطرح کردند؛ چنان‌که زرارة در حدیثی نقل می‌کند که سالم بن ابی حفصه را دیدم و او مرا به دلیل علم اندک امام مورد تمسخر قرار داد. من از این موضوع ناراحت شده و حیران بودم تا آن‌که امام صادق(ع) را دیدم. آن حضرت توصیه کردند که فکر خود را به سخنان آنان مشغول نسازید.^{۱۱۸} زیدیه در جلسات خود درباره موضع امام صادق(ع) درباره قیام نیز سخن می‌گفتند و سیاست تقیه امام(ع) را نهی می‌کردند. چنان‌که ابوبصیر نقل می‌کند که من نزد امام باقر(ع) بودم. شخصی وارد شد و به آن حضرت گفت: سالم بن ابی حفصه و یارانش می‌گویند که شما به‌گونه‌ای سخن می‌گویید که هفتاد توجیه دارد و امکان آن را برای خود فراهم می‌کنید که هرآن بتوانید از زیر بار مسئولیت آن بیرون بروید. امام(ع) در پاسخ برای رویکرد خود به تقیه از قرآن کریم دلیل آوردند و با بیان مواردی از تقیه انبیاء، به تبیین و ضرورت این رویکرد پرداختند.^{۱۱۹}

تلاش‌ها و اقدامات امامیه

مهم‌ترین تلاش‌های صورت گرفته در برابر زیدیه را باید در سیره صادقین(ع) جستجو کرد. صادقین(ع) با معرفی ویژگی‌های شیعیان و وظایف اخلاقی آنان،^{۱۲۰} سازمان اجتماعی طرفداران خود را بارور ساختند. هم‌چنین با تأکید بر رعایت تقوا، صبر بر مصائب دنیا، لزوم کمک‌رسانی به

۱۱۶. کلینی، ۸/ ۳۷۰.

۱۱۷. صفار، ۲۷۹.

۱۱۸. طوسی، اختیار معرفة الرجال، ۱/ ۲۳۴.

۱۱۹. عبّاشی، ۲/ ۱۸۴.

۱۲۰. کلینی، ۲/ ۲۳۵ و ۸/ ۱۸۴.

برادران ایمانی، حفظ شعائر مذهبی و مواردی از این دست، به صیانت از جریان امامیه در مقابل تبلیغات گروه‌های مختلف فکری از جمله زیدیه پرداختند.^{۱۲۱} روایت کلینی از عبدالله بن بکیر نشان‌دهنده ارتباط تنگاتنگ امامیان کوفه و پیشوایان آنان است. مطابق این روایت، عده‌ای از اهل کوفه نزد امام باقر(ع) حاضر شدند، امام در این مجلس بر لزوم دست‌گیری پیروان‌شان از یکدیگر تأکید و توصیه کردند و آنان را از قبول روایاتی که از زبان ائمه نقل می‌شود و شاهدی بر آن نیست، بر حذر داشتند.^{۱۲۲} این گزارش نمونه‌ای از تلاش پیشوایان امامیه برای مدیریت امامیه در مواجهه با دیگر گروه‌های فکری است. مهم‌ترین اقدامات امامیه در برابر زیدیان را می‌توان در چهار بخش به تصویر کشید.

۱. ترویج شاخصه‌های امامیه و لزوم پای‌بندی به آن

منابع حاکی از آنست که صادقین(ع) و اصحاب آنان، به هر مناسبتی بر اصل امامت، مهم‌ترین وجه تمایز امامیه و زیدیه، تأکید می‌کردند و زیدیه را به دلیل عدم پذیرش امامت اهل‌بیت(ع)، اهل باطل دانسته و اعمال‌شان را بی‌هوده می‌خواندند؛^{۱۲۳} هم‌چنین شرایط امام را بر شمرده^{۱۲۴} و با توجه به نقش امام، به مقابله با اندیشه زیدیه، مبنی بر امکان عدم وجود امام در بین مردم، می‌پرداختند.^{۱۲۵} امام باقر(ع) بارها فرموده‌اند که اطاعت ما واجب است و فرقی بین اولین و آخرین ما نیست؛^{۱۲۶} و با این بیان تأکید می‌کردند که تنها اطاعت از علی(ع) و دو فرزندش، که عقیده زیدیه بود، کافی نیست و اطاعت از امامان بعدی نیز واجب است. عالمان امامیه این موارد را به کوفیان منتقل می‌کردند و بدین سبب عقاید امامیان در برابر تبلیغات شیعیان زیدی محفوظ می‌ماند. اقدام دیگر امام، پیغام‌هایی بود که به مناسبت‌های مختلف برای پیروان‌شان می‌فرستادند؛ برای نمونه امام باقر(ع) در پیامی تأکید نمودند که اگر در مجلسی درباره ما سخن دروغی گفته شد، لازم است تا با آن مقابله کنند.^{۱۲۷}

۱۲۱. صفار، ۹۰؛ کلینی، ۲/ ۲۳۵.

۱۲۲. همان، ۲۲۲.

۱۲۳. برقی، ۸۹ و ۹۳؛ کلینی، ۱/ ۱۸۳ و ۴۳۷.

۱۲۴. کلینی، ۱/ ۳۸۸.

۱۲۵. صفار، ۴۵۸؛ صدوق، *کمال‌الدین و تمام‌النعمه*، ۲۰۴.

۱۲۶. قاضی نعمان، *شرح‌الاحبار*، ۱/ ۲۲۵.

۱۲۷. کلینی، ۸/ ۲۳۵.

امام باقر(ع) همواره می‌فرمودند که مرجعیت خود را از طرف خداوند دریافت کرده‌اند، نه از انسانی خاص یا بیعت مردم؛^{۱۲۸} و با این گفتار، نادرستی راه و روش زیدیه را در انتخاب امام بیان می‌کردند. هم‌چنین صادقین(ع) در مورد بیعت علی(ع) با ابوبکر به استدلال پرداخته و تصمیم امام علی(ع) را در جهت حفظ اسلام و وحدت مسلمانان می‌خواندند؛^{۱۲۹} و نشان می‌دادند که سکوت علی(ع) به دلیل رضایت‌مندی آنان از تصمیم اتخاذ شده نبوده است. امامیه نیز در برابر این عقیده که امامت در اولاد فاطمه(س) ادامه می‌یابد و تعداد آنان نامحدود است،^{۱۳۰} موضع گرفته و مطابق نظر صادقین(ع)، آنان را از اولاد امام حسین(ع)^{۱۳۱} و دوازده نفر می‌دانستند.^{۱۳۲}

۲. پاسخ به شبهات و احادیث جعلی زیدیه

در بخش تلاش‌های زیدیه، برخی از موارد شبهه‌افکنی زیدیان بیان شد و امامیه با ارائه پاسخ مناسب، سبب حفظ و گسترش اندیشه این مذهب در برابر هجمه سنگین تبلیغات عالمان زیدی گردید. از جمله شبهاتی که مورد تأکید زیدیه قرار می‌گرفت، مواردی بود که به دلیل عدم شرکت امام صادق(ع) و پیروان آن حضرت در قیام‌ها به آنان نسبت داده می‌شد. امام باقر(ع) در پاسخ به این شبهات می‌فرمودند: هیچ‌گاه علم خود را در مقابل جهل آنان نمی‌گذارم.^{۱۳۳} مطابق گزارشی دیگر، حسن بن زیاد، از شیعیان امامی کوفه،^{۱۳۴} نزد امام صادق(ع) رفت و پس از عرضه دین خود از باورهای زیدیه خبر داد. امام(ع) او را از اندیشیدن درباره قیامی که تغییری ایجاد نمی‌کند، باز می‌داشت.^{۱۳۵} صادقین(ع) پیروان خویش را از حضور حضور در قیام‌های زیدیه منع می‌کردند^{۱۳۶} و می‌فرمودند: پیروان ما حق پیوستن به آنان را

۱۲۸. همان، ۱ / ۲۹۰.

۱۲۹. کلینی، ۸ / ۲۳۵.

۱۳۰. همان، ۱ / ۱۶۸.

۱۳۱. نعمانی، ۹۳؛ طوسی، الغیبه، ۹۲.

۱۳۲. صفار، ۲۳۰.

۱۳۳. مزی، ۲ / ۴۳.

۱۳۴. نجاشی، ۴۷.

۱۳۵. طوسی، اختیار معرفة الرجال، ۲ / ۷۲۲.

۱۳۶. صدوق، من لایحضره الفقیه، ۱ / ۳۱۰؛ سید مرتضی، ۲ / ۲۸۰.

ندارند.^{۱۳۷} عدم شرکت امامیه در قیام‌های زیدیه نتیجه تأثیر اقدامات صادقین(ع) در این باره است.

از اقدامات دیگر زیدیان آن بود که با معرفی فرزندان دیگر فاطمه(س) به‌عنوان امام، شیعیان را به‌سوی خود جذب می‌کردند. در مقابل این اقدامات، امام صادق(ع) علاوه بر رد تفکرات آنان، بزرگان زیدیه را با القابی چون دروغ‌گو و کافر خطاب می‌کردند.^{۱۳۸} امامی مذهبیان کوفه نیز از این رفتار امام الگو گرفته و تا حدی سبب کم شدن نفوذ زیدیه در بین شیعیان می‌شدند.^{۱۳۹} یکی از مصادیق رویکرد پیشوایان امامیه را می‌توان در حدیثی حسین بن مختار کوفی^{۱۴۰} مشاهده کرد. وی آیه «و یوم القیامه تری الذین کذبوا علی الله»^{۱۴۱} را قرائت کرد و تفسیر آن را از امام صادق(ع) پرسید. امام فرمودند: این آیه در مورد کسی است که خود را امام بداند، در حالی که امام نباشد. سپس حسین از امام پرسید: اگر چه از فرزندان علی(ع) باشد؟ آن حضرت فرمودند: حتی اگر از فرزندان علی و فاطمه باشد.^{۱۴۲} یا در روایتی دیگر، امام صادق(ع) سه گروه را شایسته عذاب الهی دانستند: آنان که به ناحق ادعای امامت کنند، آنان که امامت امام را انکار نمایند و کسانی که گمان کنند این دو بهره‌ای از اسلام برده‌اند.^{۱۴۳} این روایات آگاهی امامی مذهبیان را بالا می‌برد و سبب جلوگیری از مراجعه آنان به عالمان و مدعیان امامت در بین زیدیان می‌شد.

در مواردی زیدیه، تقیه را وضع و ابداع امامیه و امری باطل می‌شمردند.^{۱۴۴} صادقین(ع) در پاسخ به این شبهه با بیان شرایط تقیه، آن را مطابق با مصلحت آن روز می‌خواندند.^{۱۴۵} تأکید صادقین(ع) بر مسأله تقیه و دوری از رفتار و گفتار آسیب‌زا،^{۱۴۶} سبب شد تا امامی مذهبیان نیز

۱۳۷. نجاشی، ۱۴۴.

۱۳۸. کلینی، ۱ / ۳۷۲.

۱۳۹. برای نمونه درباره عدم پذیرش قول عالمان زیدی توسط امامیه، نک: صدوق، *من لایحضره الفقیه*، ۲ / ۶۴۴.

۱۴۰. نجاشی، ۵۴.

۱۴۱. زمر، ۶۰.

۱۴۲. کلینی، ۱ / ۳۷۲.

۱۴۳. همان، ۳۷۳.

۱۴۴. شهرستانی، ۱ / ۱۶۰؛ نوبختی، ۶۴.

۱۴۵. کلینی، ۸ / ۲۳۵.

۱۴۶. همان، ۲ / ۲۱۹.

بدانان تأسی جویند. شاید مهم‌ترین و صریح‌ترین پیام پیشوایان امامیه در برابر زیدیه سخن امام‌صادق(ع) باشد که فرمودند: زبان خود را نگاه دارید و در خانه‌هایتان بمانید، زیرا نگاهی متوجه شما نخواهد بود و زیدیه پیوسته سپر شما هستند، زیرا سلاطین جور به دفع آنان پرداخته و از شما غافلند.^{۱۴۷}

چنان‌که پیش‌تر آمد برخی احادیث توسط راویان زیدی جعل می‌شد. طرفداران امامیه بارها به صادقین(ع) مراجعه نموده و این روایات را مطرح می‌کردند. صادقین(ع) نیز گاهی شخص راوی را دروغ‌گو می‌خواندند و از آنان بی‌زاری می‌جستند؛^{۱۴۸} و در مواردی نیز احکام صادر شده توسط فقهای زیدیه را رد کرده و حکم صحیح را ارائه می‌دادند.^{۱۴۹} نوع برخورد پیشوایان امامیه با راویان و روایات منقول توسط زیدی مذهب،^{۱۵۰} سبب شد تا پس از مدتی واکنش شیعیان نسبت به اخبار آنان همراه با پرهیز و احتیاط باشد. چنان‌که سالم بن ابی حفصه نزد شیعیان امامی فردی مشکوک به حساب می‌آمد و وقتی که روایتی از وی می‌شنیدند، برای اطمینان از صحت یا سقم آن، به امام باقر(ع) مراجعه می‌کردند.^{۱۵۱}

۳. معرفی زیدیه و انحرافات آنان

از دیگر مواضع پیشوایان امامیه، روشن کردن چهره واقعی بزرگان زیدیه و بیان سرانجام اندیشه و عملکرد آنان در بین امامیه بود. برای نمونه صادقین(ع) امامان زیدی را فاقد درجه‌ای خاص می‌خواندند. چنان‌که فردی زیدی مذهب بنام سعید بن منصور نظر امام باقر(ع) را در مورد نبیذ مست‌کننده، با این بیان که دیدم آن را زید بن علی می‌نوشد، پرسید؛ امام پاسخ دادند: باور نمی‌کنم او نبیذ بنوشد؛ اما اگر این کار را بکنند نه پیامبر(ص) است و نه امین او، بلکه فردی از

۱۴۷. همان، ۳/۳۲۰.

۱۴۸. چنان‌که زراره بر امام صادق(ع) وارد شد و روایتی را به نقل از حکم بن عتیبه بیان کرد و آن حضرت فرمودند:

پدرم چنین سخنی نگفته است و حکم به پدرم نسبت دروغ داده است(همان، ۷/۳۹۶).

۱۴۹. چنان‌که زراره رای حکم بن عتیبه در مورد مملوکی که بدون اجازه مولایش ازدواج کرده را نزد امام باقر(ع)

مطرح نمود. امام نظر آنان را رد کردند و حکم صحیح را فرمودند(ابراهیم بن محمد ثقفی، ۷۶۱) یا در موردی دیگر

آن حضرت، نظر حکم را در مورد حکمی فقهی درباره زنا رد کردند(کلینی، ۷/۳۹۶).

۱۵۰. همان، ۲/۲۲۲.

۱۵۱. صدوق، من لایحضره الفقیه، ۲/۶۴۴.

افراد خاندان اوست که ممکن است گاهی خطا کند.^{۱۵۲} هم‌چنین صادقین(ع) بارها بر انحراف بزرگان زیدیه تأکید می‌کردند. برای نمونه امام صادق(ع) پس رو آوردن ابو الجارود به زیدیه اعلام کردند که خداوند قلب وی را برگردانده است.^{۱۵۳} مطابق گزارشی دیگر، امام صادق(ع) اصحاب خود را از تلاش برای هدایت مردم از جمله زیدیان، پیش از درخواست خود آنان بازداشتند.^{۱۵۴} این خبر نشان از اولویت امام در حفظ شیعیان امامی پیش از جذب زیدی مذهبان دارد.

۴. مقابله با زیدیه در مناظرات

آن‌چه در مناظرات دانشمندان امامی با زیدیان مورد تأکید قرار می‌گرفت بیش‌تر در موضوع امامت و لزوم اطاعت از امام بود؛ چنان‌که در مناظره‌ای بین زید بن علی و مؤمن طاق آمده است: زید از وی برای مشارکت در قیام دعوت کرد؛ اما مؤمن طاق سخن وی را نپذیرفت و پاسخ داد: اگر از سوی پدر یا برادرت دعوت می‌شدم آنان را اجابت می‌کردم؛ زیرا یک جان بیش‌تر ندارم و باید آن را در راه خداوند به کار گیرم. زید پرسید: آیا گمان می‌کنی که در میان خاندان محمد(ص) امامی واجب‌الاطاعه وجود دارد؟ مؤمن پاسخ مثبت داده و گفت: یکی از آنان پدر تو علی بن حسین(ع) بوده است. زید، با لحنی که گویای تعجب و اعتراض وی بود، گفت: پدرم حتی لقمه‌داغ را از زبان من می‌گرفت و اگر چنین بود که می‌گویی، حتماً مرا باخبر ساخت و از آتش جهنم باز می‌داشت. مؤمن در جواب گفت: دلیل اقدام پدرت این بود که می‌ترسید پس از اظهار امامت خویش با انکار تو مواجه شود؛ از این‌رو، تو را از امامتش با خبر نکرد تا راه نجاتی برایت باقی بماند و اکنون نیز امید نجات تو وجود دارد.^{۱۵۵} این مناظره نشان می‌دهد که عقاید زید بن علی از امامیان زاویه گرفته بود و عالمان امامی برای جذب و هدایت وی تلاش می‌کردند؛ چنان‌که دو نفر از امامی‌مذهبان نزد زید بن علی حاضر شدند و گفتند: تو علی(ع) را به عنوان امام پذیرفته‌ای، پس چگونه ادعای لزوم قیام امام را مطرح می‌کنی؟ در

۱۵۲. طوسی، اختیار معرفة الرجال، ۲ / ۴۹۹.

۱۵۳. همان، ۱ / ۳۸۱.

۱۵۴. برقی، ۲۰۰؛ کلینی، ۱ / ۱۶۵.

۱۵۵. طوسی، اختیار معرفة الرجال، ۲ / ۴۲۵.

حالی که او نیز مدتی خانه نشین بود و قیام نکرد. مطابق این گزارش زید از پاسخ گفتن عاجز ماند.^{۱۵۶}

در گفت‌وگویی دیگر هشام بن حکم (۱۷۹د هـ) و سلیمان بن جریر به اثبات اعتقادات خود درباره امامت پرداختند. سلیمان بن جریر ابتدا از هشام در مورد اطاعت از علی (ع) اعتراف گرفت و سپس در مورد فرزند علی (ع) و لزوم یاری کردن وی سؤال کرد. هشام در پاسخ، اطاعت را تنها در صورت وجود حکم امام لازم می‌داند و می‌گوید: اکنون وی دستور به قیام نداده است.^{۱۵۷} مناظرات بین پیروان دو مذهب، در حضور امام صادق (ع) نیز انجام شده است؛ از جمله گفت‌وگویی است که بین زراره و زید انجام شده. در این مناظره زید پرسید: آیا مردی را که از خاندان نبوت باشد یاری می‌کنی؟ زراره در حضور امام پاسخ داد: در صورتی او را یاری می‌کنم که واجب‌الاطاعه باشد.^{۱۵۸}

طرفداران زیدیه نیز می‌توانستند در حضور صادقین (ع) حاضر شوند و با آنان گفت‌وگو نمایند؛ چنان‌که وقتی عبدالله بن نجاشی زیدی با شنیدن سخنان عبدالله بن حسن محض آرامش خاطر نیافت، از طریق عمار بن عبدالحمید که فردی امامی‌مذهب بود، نزد امام صادق (ع) حاضر شد و سخنان امام سبب رویگردانی او از مذهب زیدی و پیوستن او به امامیان گردید.^{۱۵۹}

نتیجه

زیدیه تحت تأثیر عالمان و فقیهان خود و با شکل‌گیری قیام زید بن علی، در نیمه اول قرن دوم ظهور یافت. رویه مشترک عقل‌گرایانه در مسائل کلامی، روش مبتنی بر استدلال در فقه و باورهای مشترک امامیه و زیدیه، هم‌چون افضلیت امام علی (ع) بر خلفاء، امامت حسین (ع)، لزوم مخالفت با حکومت جور و موضوع مهدویت، بسترهای هم‌گرایی زیدیه و امامیه را به وجود آورد. ترویج آموزه‌های مشترک و استحکام بنیان شیعه در برابر گروه‌های فکری دیگر، از ثمرات این هم‌گرایی بود؛ اما رابطه زیدیه و امامیه هیچ‌گاه خالی از احتیاط و پرهیز نبوده است و واگرایی بخش وسیع‌تری از تعاملات آنان را در بر می‌گیرد. پس از پیوستن عده‌ای از امامیان به زیدیه و

۱۵۶. همان، ۲/ ۷۱۴.

۱۵۷. همان، ۵۳۶.

۱۵۸. طبرسی، الاحتجاج، ۲/ ۳۷۴.

۱۵۹. کلینی، ۱۷/ ۳۷۶؛ طوسی، اختیار معرفة الرجال، ۱۲/ ۶۳۲؛ طوسی، تهذیب الاحکام، ۱۰/ ۲۱۳.

با آغاز کوشش عالمان زیدی برای سازماندهی یک مکتب فکری، فصل جدیدی از تعاملات این دو گروه رقم خورده است. در دوره امام باقر (ع) شکاف میان این دو گروه علوی در ابعاد فکری ملموس تر به نظر می‌رسد؛ اما با اوج گرفتن فعالیت‌های زیدیه و رشد اندیشه‌های آنان، خط فکری زیدیه در دوره امام صادق (ع) از امامیه زاویه‌ای مشهود گرفت و خاصه اختلافات آنان در موضوعاتی چون بداء، رجعت، بیعت با شیخین، ویژگی‌های امام و طریقه نصب او، تقیه و قیام، موجب صفتبندی آنان در مقابل یکدیگر شد. باید توجه داشت که سطح تعاملات دو فرقه جارودیه و بُتریه با امامیه متفاوت بوده و به‌ویژه بین امامیه و بُتریه تعامل کمتری وجود داشته است. در نتیجه باید گفت هرچند روابط نزدیک و حمایت این دو گروه از یکدیگر، به ترویج آموزه‌های هر دو فرقه کمک کرد، اما مواضع صادقین (ع) در برابر زیدیه سبب انسجام باورهای امامیه در موضوع امامت، حفظ طرفداران امامیه از تهاجمات فکری زیدیه و پیوستن گروهی از زیدیان به امامیه شد.

کتابشناسی

قرآن کریم.

- ابراهیم بن محمد ثقفی، *الغارات*، تحقیق سید جلال الدین حسینی، بی‌جا، ۱۴۲۴هـ.
- ابطحی، عبدالحمید، «تقابل عالمان زیدی کوفه در نیمه اول قرن دوم با باور امامت الهی اهل بیت (ع)»، *سَفینه*، شماره ۳۷، ۱۳۹۱ش.
- ابن اعثم، احمد، *الفتوح*، تحقیق علی شیری، بیروت، دار الاضواء، ۱۴۱۱هـ.
- ابن بطة، *الابانة*، ریاض، دارالرایة، ۱۴۲۶هـ.
- ابن جعد، *مسند ابن الجعد*، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۷هـ.
- ابن جوزی، *زاد المسیر فی علم التفسیر*، بیروت، دارالاحیاء التراث، ۱۳۸۲هـ.
- ابن حبان، محمد، *المجروحین معہ المحدثین و الضعفاء و المتروکین*، تحقیق محمود ابراهیم زاید، مکه، دار الباز، بی‌تا.
- ابن حزم، علی بن احمد، *الفصل فی الملل و الاهواء و النحل*، بیروت، دارالکتب العلمیة، بی‌تا.
- ابن حجر، *تهذیب التهذیب*، بیروت، دارالفکر، بی‌تا.
- ابن خلدون، *مقدمة ابن خلدون*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی‌تا.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی، *مناقب آل أبی طالب*، نجف، مکتبة الحیدریة، ۱۳۷۶ش.

- ابن عساکر، تاريخ مدينة دمشق، تحقيق علي شيري، بيروت، دارالفكر، ١٤١٥هـ.
- ابن مرتضى، احمد بن يحيى، البحر الزخار الجامع لمذاهب علماء الامصار، قم، مجمع الزخائر الاسلامي، بي تا.
- ابن نديم، فهرست ابن نديم، تهران، ١٣٤٦هـ.
- ابوالفرج اصفهاني، مقاتل الطالبين، نجف، المكتبة الحيدرية، ١٣٨٥هـ.
- ابوطالب يحيى بن حسين، تيسير المطالب في امالي ابي طالب، صنعاء، مؤسسة امام زيد بن علي، ١٤٢٢هـ.
- ابونعيم، احمد بن عبدالله، حلية الاولياء و طبقات الاصفياء، بيروت، دارالكتب العربي، ١٣٨٧هـ.
- ابي القاسم البلخي، فضل الاعتزال و طبقات المعتزلة، تونس، المؤسسة الوطنية، ١٩٨٦م.
- احمد بن حنبل، العلل و معرفة الرجال، تحقيق وصي الله بن محمود عباس، رياض، دار الخاني، ١٤٠٨هـ.
- احمد بن قاسم، تاج المذهب لاحكام المذهب، صنعاء، مكتبة اليمن الكبرى، ١٣٨٠هـ.
- اربلي، علي بن عيسى، كشف الغمة، تبريز، مكتبة بني هاشمي، ١٣٨١هـ.
- اشعري قمي، سعد بن عبدالله، المقالات و الفرق، تهران، انتشارات علمي و فرهنگي، ١٣٦١ش.
- اشعري، علي بن اسماعيل، مقالات الاسلاميين و اختلاف المصلين، تهران، انتشارات اميركبير، ١٣٦٢ش.
- اكوع، اسماعيل بن علي، الزيدية نشاتها و معتقداتها، دمشق، دارالفكر، ١٤١٧هـ.
- ايحيى، المواقف، بيروت، دارالجيل، ١٤١٧هـ.
- برقي، احمد بن محمد، المحاسن، تحقيق سيد جلال الدين حسيني أرموي، تهران، بي تا.
- بغدادى، عبدالقاهر بن طاهر، الفرق بين الفرق، تهران، نشر اشراقي، ١٣٦٧ش.
- حسين بن احمد، روض النضير في شرح مجموع الفتحة الكبرى، طائف، مكتبة المويد، ١٩٦٨م.
- حميد بن احمد، الحدائق الوردية في مناقب الائمة الزيدية، صنعاء، مكتبة بدر.
- حيدري، احمد علي، «معرفة كلام و جامعه، اثر فان اس»، هفت آسمان، شماره ٢٤، ١٣٨٣هـ.
- خليفة بن خياط، تاريخ خليفة بن خياط، تحقيق سهيل زكار، بيروت، دارالفكر، بي تا.
- خويي، ابوالقاسم، معجم رجال الحديث و تفصيل طبقات الرواة، بي جا، ١٤١٣هـ.
- ذهبي، محمد بن احمد، تاريخ الاسلام، تحقيق عمر عبدالسلام تدمري، بيروت، دارالكتاب العربي، ١٤١٠هـ.

- همو، *ميزان الاعتدال في نقد الرجال*، بيروت، دارالمعرفة للطباعة و النشر، ۱۳۸۲هـ.
- الرازي، *كتاب الجرح و التعديل*، بيروت، دار احياء التراث العربي، ۱۳۷۱هـ.
- همو، *تفسير القرآن*، تهران، اساطير، ۱۳۷۱ش.
- رحمتي، محمد كاظم، *مقالاتي در تاريخ زيديه و اماميه*، تهران، انتشارات بصيرت، ۱۳۸۸ش.
- سامي الغراوي، *الزيديّة بين الاماميّة و اهل السنّة*، دارالكتاب الاسلامي، ۱۴۲۶هـ.
- سلطاني، مصطفي، *امامت از ديگاه زيديه و اماميه*، قم، انتشارات اديان و مذاهب، ۱۳۸۷هـ.
- سمعاني، منصور بن محمد، *تفسير السمعاني*، تحقيق ياسر بن ابراهيم و غنيم بن عباس، رياض، دار الوطن، ۱۴۱۸هـ.
- سيد مرتضى، علي بن حسين، *الامالي*، تحقيق سيد محمد بدرالدين نعلاني، مكتبة آية الله المرعشي، بي تا.
- سيوطي، *الدر المنثور في التفسير بالمأثور*، بيروت، دارالمعرفة للطباعة و النشر، بي تا.
- شهرستاني، محمد بن عبدالكريم، *الملل و النحل*، تخريج محمد فتح الله بدران، القاهرة، مكتبة الانجلو المصرية، بي تا.
- صدوق، محمد بن علي، *التوحيد*، تحقيق سيد هاشم حسيني تهراني، قم، جماعة المدرسين، بي تا.
- همو، (بي تا)، *الخصال*، تحقيق علي اكبر غفاري، قم، جماعة المدرسين، بي تا.
- همو، *كمال الدين و تمام النعمة*، تصحيح علي اكبر غفاري، قم، جماعة المدرسين، بي تا.
- همو، *معاني الاخبار*، تحقيق علي اكبر غفاري، قم، جماعة المدرسين، بي تا.
- همو، *من لا يحضره الفقيه*، تحقيق علي اكبر غفاري، قم، جماعة المدرسين، ۱۴۰۴هـ.
- صفار، محمد بن حسن، *بصائر الدرجات*، تحقيق ميرزا محسن كوجه باغي، تهران، مؤسسة الاعلمي، ۱۴۰۴هـ.
- صفدي، خليل بن أيبك، *الوافي بالوفيات*، بيروت، دار صادر، ۱۴۱۱هـ.
- طباطبايي، سيد محمد حسين، *تفسير الميزان*، قم، جماعة المدرسين، بي تا.
- طبراني، سليمان بن احمد، *المعجم الصغير*، بيروت، دارالكتب العلمية، بي تا.
- طبرسي، احمد بن علي، *الإحتجاج*، تحقيق ابراهيم بهادري و محمد هادي به، تهران، دارالاسوة، ۱۴۱۶هـ.
- طبرسي، حسن بن فضل، *مكارم الاخلاق*، منشورات الشريف الرضي، ۱۳۹۲هـ.

- طبري، تاريخ طبري، بيروت، مؤسسة الاعلمي للمطبوعات، ١٤٠٣هـ.
- طوسي، محمد بن حسن، اختيار معرفة الرجال، تحقيق سيد مهدي رجائي، قم، مؤسسة آل البيت (ع)، ١٤٠٤هـ.
- همو، مالي، تحقيق مؤسسة البعثة، قم، دار الثقافة، ١٤٠٤هـ.
- همو، تهذيب الاحكام، تحقيق سيد حسن خراسان، تهران، دار الكتب الاسلامية، ١٣٦٥ش.
- همو، كتاب الغيبة، قم، مؤسسة المعارف الاسلامية، ١٤١١هـ.
- همو، الفهرست، تحقيق جواد القيومي، قم، ١٤١٧هـ.
- عجلي، معرفة الثقات، مدينة، مكتبة الدار، ١٤٠٥هـ.
- عمرجي، احمد شوقي ابراهيم، الحياة السياسية و الفكرية للزيدية في مشرق الاسلامي، القاهرة، مكتبة مدبولي، بي تا.
- عياشي، محمد بن مسعود، التفسير، تحقيق رسول محلاتي، تهران، مكتبة العلمية الاسلامية، بي تا.
- غليس، اشواق احمد مهدي، التجديد في فكر الامامة عند الزيدية في اليمن، القاهرة، مكتبة مدبولي، ١٤١٧هـ.
- فان اس، علم الكلام و المجتمع في القرنين الثاني و الثالث، ترجمه صالح سالمه، كلن، الجمل، ٢٠٠٨م.
- فرات بن ابراهيم، تفسير فرات الكوفي، تحقيق محمد الكاظم، تهران، وزارة الثقافة و الارشاد الاسلامي، ١٤١٠هـ.
- فرمانيان، مهدي و موسوي، سيد علي، درسنامه تاريخ و عقايد زيديه، قم، نشر اديان، ١٣٨٦هـ.
- فسوي، يعقوب بن سفيان، المعرفة و التاريخ، بيروت، دار الكتب العلمية، ١٤١٩هـ.
- قاضي عبدالجبار، المنية و الامل، اسكندرية، دارالمطبوعات الجامعية، بي تا.
- قاضي نعمان، نعمان بن محمد، دعائم الاسلام، تحقيق آصف بن علي، دار المعارف، ١٣٨٣هـ.
- همو، شرح الأخبار في فضائل الائمة الابرار، تحقيق سيد محمد حسيني جلالی، قم، جماعة المدرسين، بي تا.
- كتبي، فوات الوفيات و ذيل عليها، بيروت، دارالكتب العلمية، ٢٠٠٠م.
- كراچكي، محمد بن علي، الاستنصار في النص على الائمة الاطهار، بيروت، دارالاضواء، ١٤٠٥هـ.
- كليني، محمد بن يعقوب، الكافي، تحقيق علي اكبر غفاري، تهران، دار الكتب الاسلامية، ١٣٦٣ش.

- متقي هندی، *كنز العمال*، بيروت، دارالكتب العلمية، 1425هـ.
- محمد بن سليمان كوفي، *مناقب الامام اميرالمومنين علي بن ابي طالب عليه السلام*، تحقيق محمد باقر محمودي، قم، مجمع احياء الثقافة الاسلامية، 1412هـ.
- مزي، *تهذيب الكمال في اسماء الرجال*، بيروت، مؤسسة الرسالة، 1406هـ.
- مسعودي، علي بن الحسين، *مروج الذهب و معادن الجواهر*، قم، مؤسسة دارالهجرة، 1409هـ.
- معرفت، هادي، *تفسير و مفسران*، قم، موسسه فرهنگي التمهيد، 1379ش.
- مفيد، الارشاد في معرفة حجج الله على العباد، بيروت، دارالمفيد، 1414هـ.
- همو، *اوائل المقالات في المذهب و المختارات*، بيروت، دارالكتاب الاسلامي، 1403هـ.
- مقريزي، احمد بن علي، *امتاع الاسماع بما للنبي صلى الله عليه و آله و سلم من الاحوال و الاموال و الحفدة و المتاع*، تحقيق محمد عبدالحميد النميسي، بيروت، دارالكتب العلمية، 1420هـ.
- موسوي نژاد، «آشنايي با زيديه»، *هفت آسمان*، شماره 11، 1380ش.
- همو، *تراث الزيدية*، قم، انتشارات مركز مطالعات و تحقيقات اديان و مذاهب، 1384ش.
- مهدي لدين الله، محمد بن قاسم، *الموعظة الحسنة*، صنعاء، مؤسسة الامام زيد بن علي، 1415هـ.
- نجاشي، *رجال نجاشي*، قم، مؤسسة النشر الاسلامي، 1416هـ.
- نعماني، محمد بن ابراهيم، *الغيبة*، تهران، مكتبة الصدوق، بي تا.
- نوبختي، حسن بن موسى، *فرق الشيعة*، بيروت، دارالاضواء، 1404هـ.